

حمید رفت و برگشت

قصه شهردار اردبیل هر چه بود تمام شد. شورای قبلی در بسیاری از موارد روشی منحصر به فرد داشت. کارهای زیادی در آن زمان می توانست انجام بپذیرد و در راستای توسعه استان مثمر ثمر واقع شود ولی عوامل بسیاری دست به دست هم می دادند تا در این مسیر سنگ اندازی هایی انجام شود که از مهم ترین آنها بحث استیضاح و خداحافظی لطف الهیان از شهرداری و در ادامه حمایت های انجام یافته و اقدامات فرمانداری و در نهایت بازگشت پیروزمندانه وی به ساختمان شهرداری بود.

شورای جدید هم که نیامده دست به کارهایی زد که تعجب برانگیز و جای سؤال بسیار داشت. لطف الهیان باز کنار گذاشته شد و به دنبال یک سری اقدامات، اعلام آمادگی کاندیداهای مصلحتی و حرف های چند وجهی برخی از شورائیان باز هم لطف الهیان به شهرداری برگشت و سکان خدمت به مردم فهیم، ولایتمدار و حامی خدمتگزاران راستین و صادق را در دست گرفت.

در همان اوضاع آشفته ای که در شورای جدید عذر لطف الهیان را خواستند و اظهار نظرهای متفاوت و گاهی خارج از عرف را افکار عمومی شاهد بودند، همه دیدند که اقبال عمومی از شهردار کنار گذاشته شده بسیار و بسیار بود و به نوعی می توان گفت که رفتار و عملکرد مخالفان لطف الهیان در شورای شهر جدید سبب محبوبیت وی را در جامعه سنگین و سنگین تر کرد.

در این نوشته قصد آن نیست که رفتارهای سیاسی و چگونگی عمل شوراهای قبلی و فعلی در عزل و تثبیت لطف الهیان مورد بررسی قرار بگیرد. هدف اشاره به وضعیت فوتبال اردبیل در طول مدت رفت و برگشت ها و آسیب های وارده به این رشته پرطرفدار می باشد.

قبل از پرداختن به این امر باید گفت که ممکن است باشد عزیزانی که به سرمایه گذاری شهرداری و شورای شهر در ورزش حرفه ای و بخصوص فوتبال معتقد نباشند و تنها راه نجات فوتبال و حضور آبرومندانه در رقابت های باشگاهی را سرمایه گذاری بخش خصوصی قلمداد نمایند.

این که فعالیت بخش خصوصی و سرمایه گذاری آن در فوتبال لازم و ضروری است اصلی قابل قبول و پذیرفته شده است. هیچ فرد منصف و

آشنا به رمز و رموز فوتبال و باشگاه داری نمی تواند در مقابل آن علم مخالفت برافراشته نماید . بر اساس تجربه در سال های اخیر هیچ سرمایه گذاری برای کمک به فوتبال استان و تامین بخشی از نیازهای آن، روی خوش نشان نداده است و اگر کسانی هم ژست این کار را گرفته و ادعایی داشته اند در عمل کاری از پیش نبرده و در میانه راه فرار را بر قرار و رفتن را بر ماندن ترجیح داده اند. حال به هر علتی که بوده باشد بخش خصوصی در فوتبال تا حال که موفق نبوده است. پس چاره ای جز چنگ توسل زدن به دامن شورای شهر و شهرداری برای جوانان و علاقه مندان به فوتبال باقی نمی ماند.

شورای شهر با احساس مسؤولیت در قبال موکلین خود باید به فوتبال به عنوان عاملی برای ایجاد شور و نشاط اجتماعی نگاه بکند و شهردار نیز برای جواب دادن به خواسته های بخش عظیمی از شهروندان تا زمان حضور بخش خصوصی قابل قبول و مطمئن امکان حضور نماینده فوتبال شهر در رقابت های لیگ کشوری را فراهم نماید.

لطف الهیان و تغییر موضع

لطف الهیان تا استیضاح توسط شورای شهر قبلی و زمانی که تیم در دسته اول باشگاه های کشور بود به خوبی از تیم حمایت می کرد. او در آن مقطع برای سرنوشت تیم اهمیت قائل بود و با وعده ها، حرف ها و سخنانش تلاش می کرد تا موقعیت تیم در جدول رده بندی بهبود پیدا بکند.

با سقوط تیم به دسته دوم و به دنبال پخش شایعات مختلف مبنی بر هزینه های میلیاردی انجام یافته و برخی حرف و حدیث ها که هیچ وقت مطلب روشن و صریحی مبنی بر رد یا قبول آنها در افکار عمومی طرح نشد و مخالفت اکثریت قاطع اعضای شورای شهر با تیم داری و غیر قانونی تلقی کردن دخالت شهرداری در ورزش حرفه ای با توسل به نامه ای از سازمان بازرسی پایه های تیمی چون شهرداری که حکم شناسنامه فوتبال این منطقه را داشت لرزان شد و درست در ایامی که لطف الهیان با محبت شورائیان در بیرون از مجموعه در انتظار حکم فرمانداری بود تیم واگذار شد. اما تعجب در این است که وقتی لطف الهیان به طبقه دوم ساختمان مرکزی شهرداری برگشت در ارتباط با تیم فوتبال و ورزش ، لطف الهیان قبل از استیضاح نبود.

چه اتفاقی افتاده بود؟ چرا علی رغم انتظار جوانان و دوستداران

فوتبال، وی بعد از برگشت به فوتبال پشت کرد و از سرمایه ورزش شهر دفاع ننمود؟ زمانی که هواداران در انتظار بازگشت وی لحظه شماری می کردند و با توجه به سابقه معتقد بودند که وی می تواند برای تیم نسخه ای در شائن آن بیچد متاسفانه در عمل خلاف آن را مشاهده کردند.

تیم مسافر دسته سوم شد. تغییر و تحولاتی در سازمان فرهنگی ورزشی و باشگاه انجام پذیرفت اما سرنوشت و تکلیف تیم علی رغم شروع دور مقدماتی رقابت های لیگ دسته سوم همچنان در هاله ای از ابهام قرار دارد.

شهرداری از اواخر آذر ماه باید در مرحله دوم رقابت های لیگ دسته سوم حضور پیدا بکند. چندان فرصتی برای بستن و آماده کردن تیم باقی نمانده است. تکلیف تیم ضروری است که مشخص گردد.

اختلافات موجود بین شهرداری و باشگاه آبی پوشان ربطی به هواداران و جوانان علاقه مند به فوتبال ندارد. فوتبال اردبیل به شورای شهر و شهرداری برای احیای دوباره نیاز دارد. فوتبال این منطقه خاطره خوبی از بخش خصوصی تاکنون نداشته است. اگر مسئولین بنشینند و در انتظار باشند که سرمایه گذاری برای فوتبال پیدا بکنند باید بدانند که در حال حاضر با وضعیت حاکم بر مدیریت فوتبال استان کسی جرئت این کار را نمی تواند داشته باشد و شهردار است که باید ندای جوانان و دوستداران فوتبال را بشنود و برای ایجاد شور و نشاط و تقویت روحیه شادابی در بین جوانان به این کار همت نماید.

توقع جوانان از شهردار در ارتباط با فوتبال بالا است. بی انگیزه شده شهردار بعد از استیضاح و در رقابت های دسته دوم می تواند دلایل بسیاری داشته باشد. امید می رود روزی لطف الهیان به آنها پردازد و حقایق را با فوتبالی ها در میان بگذارد. اما همچنان اعتقاد بر این وجود دارد که وی می تواند با برنامه ریزی و نظارت بر عملکردها و به کارگیری نیروهای مورد اعتماد با جلب نظر مساعد شورا برای نجات فوتبال اردبیل از مخمصه ای که در آن گرفتار است اقدام بکند.

به نظر می رسد اکثریت شورا با این خواست جوانان موافق باشند. مخالفت شدید و همه جانبه دو نفر از اعضای فعلی شورا را فوتبالی ها در دور قبلی شورا به وضوح دیده اند ولی امیدواری آنها در

این دور بیشتر است چرا که هم افراد صد در صد ورزشی و ورزش فهم در شورا هستند و هم اکثریت آنها برای تامین این خواسته جوانان قبلاً قول مساعد داده اند.

لطف الهیان به عنوان شهردار، مورد اعتماد مردم است و بی جهت نبوده و نیست که در رفت و برگشت ها مردم و جوانان از وی حمایت کردند. پشتیبانی ورزشی ها و فوتبالی ها نیز کاملاً در آن ایام مشخص و واضح بود. آنها انتظار دارند شهردار به موقع برای برآورده کردن خواسته شان اقدام کرده و همه چیز را به روزهای آخر موکول ننماید.